وطن امروز
روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش
مدیرمسؤول: محمد آخوندی
سردبیر: رضا شکیبایی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳
پیامک: ۱۰۰۰۲۲۳۱ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir چاپ: شرکت رواق‌روشن مهر

انتشار آلبوم «نخلستان» با صدای استاد سازگار

موسسه فرهنگی و هنری «نخل میثم» به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان آلبوم صوتی «نخلستان» را منتشر کرد. این آلبوم شامل مناجات‌های ماه مبارک رمضان است که با صدای این شاعر و مداح اهل‌بیت در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. پیش از این مجموعه پادکست‌های فاطمیه با صدای این شاعر اهل‌بیت منتشر شده است.

یادداشتی کوتاه بر کتاب «عروسی لاکچری»

قصه‌های کوتاهی که باید رمان شود

محمد حسین آبادی: اگر با ذهنیت کتاب‌هایی همچون «قصه دلبری» و «عمار حلب» و «سربلند» سراغ خواندن «عروسی لاکچری» بروید، احتمالا نتوانید ارتباط چندانی با این کتاب برقرار کنید! کتاب جدید محمدعلی جعفری یک تجربه تازه در کارنامه کاری او است؛ نویسنده‌ای که با وجود انتشار مجموعه داستان «شغل شریف» و رمان «خانه مغایرت»، به‌واسطه خاطره‌نگاری‌هایش از شهدا در میان بخش عمده‌ای از مخاطبان شناخته می‌شود. این کتاب مجموعه‌ای از ۵ داستان مختلف است که جز ۲ مورد، بقیه قصه‌های آن حال و هوایی کاملا متفاوت از یکدیگر دارند.

۲ قصه درباره رابطه مسلمانان و یهودیان، قصه‌ای درباره یک مراسم آیینی ایرانیان، یک قصه اجتماعی و قصه‌ای درباره مدافعان حرم، ۵ داستانی هستند که در این مجموعه گرد هم آمده‌اند. جعفری در ۲ قصه ابتدایی این کتاب دست روی قصه‌هایی در ظاهر تکراری اما کمتر بازگو شده در ادبیات داستانی ما گذاشته است؛ روایتی از تجربه زندگی مسلمانان و یهودیان در کنار هم که با وجود آنکه به لحاظ تاریخی در همین ایران خودمان ریشه دارد، اما حداقل در ادبیات داستانی ما کمتر نشانی از آن دیده می‌شود. قصه‌هایی که به نظر می‌رسد جعفری می‌تواند با استفاده از ایده‌هایی مشابه و در همین حال و هوا آنها را تبدیل به رمان کند. علاوه بر این، از دیگر نکات مثبت این مجموعه داستان می‌توان به روایت بخش عمده‌ای از قصه‌های کتاب در بستر شهر یزد اشاره کرد؛ اتفاقی که بیش از همه ریشه در اصالت یزدی نویسنده و تجربه زندگی او در این شهر دارد.

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با محمدعلی جعفری که تازه‌ترین اثرش در نمایش کتاب با اقبال مخاطبان مواجه شد

عروسی لاکچری «قصه دلبری» نیست

مخاطبان «عروسی لاکچری» داستان‌خوان‌های حرفه‌ای هستند

محسن شهمیرزادی: نام محمدعلی جعفری بیش از هر زمانی با «قصه دلبری» بر سر زبان‌ها افتاد. اگرچه این کتاب در فضای خاطره‌نگاری روایت شده است اما خاستگاه جعفری جای دیگری بود. او را می‌توان قبل از هر عنوانی، داستان‌نویس نامید که پیش از این «شغل شریف» و «خانه مغایرت» را به‌عنوان آثار برجسته داستانی خود وارد بازار نشر کرده بود. پس از «قصه دلبری»، «عمارحلب» و «سربلند» که در فضای خاطره‌نگاری روایت شده‌اند، جعفری بار دیگر سراغ ادبیات داستانی و داستان کوتاه رفته است. «عروسی لاکچری» که به همت انتشارات شهید کاظمی منتشر شده، در نمایشگاه کتاب تهران مورد اقبال قرار گرفت و به همین بهانه با این نویسنده جوان به گفت‌وگو پرداختیم.

■ شما در آثار قبلی‌تان از فضای داستانی به سمت مستندنگاری رفته بودید و کارهای‌تان با مضمون مدافعان حرم مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. اکنون بار دیگر و بعد از شغل شریف به فضای داستان کوتاه بازگشته‌اید. چه چیزی شما را به داستان کوتاه و «عروسی لاکچری» کشاند؟

من هنوز دلم بیشتر با داستان و رمان است. از سر رفاقت‌مان با شهید محمدخانی به سمت کار مستند شهدا رفتیم و یک‌جورهایی خدا همین‌طور پشت سرهم برایم در این فضا کارهایی را ردیف کرد و موجب شد در این فضا بمانم. در حال حاضر در فضای نوشتن نه کاملاً مستند را کنار گذاشته‌ام و نه داستان و رمان را. می‌خواهم هردو را با هم داشته باشم.

■ برخلاف آثار داستان کوتاه قبلی شما که کل کتاب نخ تسبیح مشترکی داشت، این بار شاهد چنین مضامین مشترکی نیستیم. یعنی اگر در «شغل شریف» همه داستان‌های کوتاه با وجود مستقل بودن با مضمون خانواده روایت می‌شد، این بار شاهد داستان‌هایی با مضامین و فضا و تاریخ متفاوتی هستیم.

من هر از گاهی بنا بر دغدغه و مشغولیت ذهنی‌ام در حوزه‌های مختلف یک داستان می‌نوشتم. این چند داستان را خیلی دوست می‌داشتم و گفتم خوب است در قالب یک کتاب منتشر شود.

■ در ۲ داستان اول کتاب روایت‌هایی بدیع و بکر از مواجهه اسلام و یهود آورده‌اید. اما این مضمون در داستان‌های بعدی جای خود را به موضوعات دیگری می‌دهد. تمایل ندارید ادامه این داستان‌های کوتاه را در قالب داستانی بلند یا رمان روایت کنید؟

یکی، دو سوژه دیگر در فضای داستانی بلند دارم اما به‌قول‌معروف آنها را در آب‌نمک گذاشتم. اینکه چه زمانی بنشینم پای آنها و شروع کنم به نوشتن، هنوز مشخص نیست. چون درگذشته محله‌هایی داشتیم به نام محله «یهودی‌ها» و اتفاقات ریزودرشتی در آنجا افتاده است. کسی هم متأسفانه به آنها نپرداخته و این موضوع مغفول مانده است. من آن را در فضای این ۲ داستان کوتاه آورده‌ام که البته جای پرداخت بسیار بیشتری دارد. به نظرم باید روزی این اتفاق بیفتد که چنین مضمونی در فضای رمان مطرح شود.

■ ما در پس‌زمینه عمده آثار شما، با روایتی از فضای بومی یزد مواجهیم. بخشی‌اش به این دلیل است که یزد محیط‌زیست شما است اما نمی‌توان همه آن را به این دلیل ارجاع داد، آن هم برای داستان‌نویسی که مشخصه اصلی کارش تخیل است. دلیل این تعمد در استفاده از فضای بومی یزد چیست؟

یک دلیلش همان چیزی است که گفتید. من بچه یزد هستم و در این زیست‌بوم زندگی می‌کنم. دلیل دیگر این است که وقتی مخاطب اثری را می‌خواند دوست دارد حین خواندن فضاهای جدیدی را تجربه کند. متأسفانه جو پایتخت و فضای رسانه‌ای‌اش به شکلی بوده است که خیلی از نویسندگان شهرستانی وقتی می‌خواستند روایتی را داشته باشند، باز هم در فضای کلانشهر و تهران سیر می‌کردند. به نظرم الآن مخاطب فضاهای بومی و سنتی را بیشتر می‌پسندد. در کارهای قبلی‌ام که فضای یزد را روایت می‌کرد، خیلی‌ها از آن استقبال کردند. به همین خاطر بیشتر تعمد دارم فضای یزد را در داستان‌های خودم تصویر کنم. درکنار همه اینها، علاقه و تعصبی که به شهر خودمان داریم، در آثارم نادیدنی نیست.

■ در جهان ادبیات داستانی، خیلی‌ها داستان کوتاه را مقدمه و پلی به جهان داستانی بلند و رمان می‌دانند. در واقع هویت مستقل و معینی برای داستان کوتاه قائل نیستند. در عرصه فیلمسازی هم همین نسبت برای فیلم کوتاه و فیلم داستانی بلند وجود دارد. اما با وجود «عروسی لاکچری» که بعد از چاپ رمان و آثار مستند داستانی به انتشار رسیده است، به نظر می‌رسد شما نظر متفاوتی دارید. این‌چنین است؟

فضای داستان کوتاه مستقل است و کارکرد مخصوص به خودش را دارد. فضای داستان بلند هم همین‌طور. داستان کوتاه نسبت به خاطره و داستان بلند یک وجه هنری‌تری دارد و قشر نخبه‌تری سراغ آن می‌آید. من دغدغه داشتم فقط مخاطبم را عامه مردم قرار ندهم، بلکه داستان‌خوان‌های حرفه‌ای نیز مخاطب من باشند. به همین خاطر آن فضا را کنار نگذاشتم و از آن دور نشدم. همچنین در فضای داستان، وقتی بنا داشته باشید پیام و پایان‌بندی هدفمندی روایت کنید، اثر داستان کوتاه از فضای مستند و مستقیم‌گویی بیشتر است. به همین دلایلی که گفتم ازجمله وجه هنری، اثرگذاری بیشتر و مخاطب حرفه‌ای‌تر، به نظر می‌رسد داستان کوتاه گونه مناسبی در فضای داستانی است، بی‌آنکه آن را پل یا مقدمه داستان بلند بدانیم.

■ پس دلیل کم‌کاری نویسندگان متعهد در این حوزه را چه می‌دانید؟

متأسفانه در فضای ما و بین دوستان ما داستان‌خوانی و رمان‌خوانی خیلی رواج ندارد. صدالبته که در سال‌های اخیر رونق بسیار خوبی پیداکرده است اما همچنان بسیاری با اکراه نسبت به رمان و قصه مواجه می‌شوند، چراکه معتقدند چرا ما باید در جهان تخیلات یک نویسنده دخیل شویم؟ این پیش‌زمینه فکری موجب می‌شود که کمتر سراغ داستان و رمان بروند. بعضی از مخاطبان وقتی عروسی لاکچری را خواندند آن را با قصه دلبری مقایسه می‌کردند. درحالی‌که اصلاً وجه مشترکی میان این دو وجود ندارد که بخواهند با هم مقایسه شوند. این به همان مساله بازمی‌گردد که مخاطب‌های ما خیلی داستان‌خوان حرفه‌ای نیست. تمایل مخاطب مذهبی به داستان‌خوانی بسیار بیشتر شده است اما تا حد مطلوب و به نسبت نخبگان جامعه هنوز فاصله است.

■ آیا کار جدیدی در دست انتشار دارید؟

۲ اثر داریم. یکی‌اش درباره زندگی شهید حدادیان و دیگری سفرنامه سوریه است که مربوط به سفر سال ۹۶ بنده به این کشور است. اثر دیگری هم در دست چاپ است که در فضای رمان روایت می‌شود که الآن نمی‌توانم جزئیاتی از آن را بیان کنم.

نگاهی به فیلم سینمایی در حال اکران «سامورایی در برلین» ساخته مهدی نادری

نچسب مثل «مرکوری» با صدای «شب‌پره!»

احسان سالمی: «سامورایی در برلین» دقیقا چیزی در مایه‌های شنیدن صدای شهرام شب‌پره روی تصاویری از «فردی مرکوری»، خواننده سرشناس گروه راک کوئین است! یک ملغمه عجیب و غریب که نه قصه سرراست و مشخصی دارد و نه معدود موقعیت‌های کمدی فیلم پتانسیل خنده گرفتن

از مخاطبانش را دارد. ماجرای ۳ خلافکار که ماموریت پیدا می‌کنند برای پس گرفتن سند یک زمین قدیمی راهی برلین شوند اما درگیر اتفاقاتی تازه می‌شوند. شاید اصلی‌ترین مشکل «سامورایی در برلین» را باید مشخص نبودن قصه آن دانست؛ گویی فیلمساز با یک ایده یک‌خطی جذاب که همان حضور ۳ خلافکار ایرانی در برلین است، تیمش را جمع کرده و برای ساخت فیلمی راهی خارج شده است و احتمالا با جملاتی شبیه به اینکه «هر چه بادا بادا» سعی کرده این ایده یک‌خطی را تبدیل به یک اثر سینمایی کند؛ بدون آنکه مشخص باشد این ایده قرار است چگونه شاخ و برگ پیدا کند و تبدیل به یک قصه کمدی شود. «سامورایی در برلین» نیز همچون اغلب کمدی‌های سال‌های اخیر سینمای ایران به جای خلق موقعیت‌هایی کمدی، بر پایه حماقت‌های ذاتی شخصیت‌ها و لودگی شکل گرفته پیرامون شخصیت آنها پیش می‌رود؛ روندی تکراری که احتمالا در طولانی‌مدت و با اشباع شدن فضای سینمای کمدی ایران از محصولاتی مبتنی بر لوده‌بازی، دیگر خریداری در میان مخاطبان سینمای ایران نخواهد داشت. معدود موقعیت‌های در ظاهر کمدی فیلم هم چیزی فراتر از صحنه مصرف موادمخدر در آسایشگاه سالمندان و تاثیرات پس از آن یا سکانس مربوط به خواندن ترانه شهرام شب‌پره در میان مخاطبان آلمانی توسط کاراکتر هومن حاجی‌عبداللهی که او را به شکل فردی مرکوری درآورده‌اند، نیست. جالب اینکه سومین ساخته مهدی نادری که نویسندگی آن را نیز خود برعهده داشته، حتی در زمینه پیش بردن قصه‌های فرعی نیز موفقیتی ندارد. ورود کاراکتری که میترا حجار ایفاگر آن است در مخاطب این حس را پدید می‌آورد که در ادامه قصه شخصیت او قرار است بر مسیر قصه تاثیرگذار باشد، در حالی که این حضور کوتاه آنقدر در جریان کلی فیلم بی‌تاثیر است که حذف شدن سکانس‌های مربوط به نقش‌آفرینی کاراکتر میترا حجار از فیلم هیچ خللی در روند کلی قصه ایجاد نمی‌کند؛ گویی که فیلم از اساس چنین قصه فرعی‌ای نداشته است! به این ضعف‌ها باید، پایان‌بندی ضعیف فیلم را هم اضافه کرد؛ هر چند از آن قصه نیم‌بند فیلم، پایان‌بندی بهتر از این را هم نمی‌شد انتظار داشت. «سامورایی در برلین» قطعا آخرین تجربه سینمای ما در ساخت فیلم‌هایی خارج از مرزهای ایران نخواهد بود؛ مسیری که در این سال‌ها طرفداران خاص خود را پیدا کرد و برای مثال در همین روزها، فیلم سینمایی «چهار انگشت» نیز با پیروی از همین الگو روی پرده رفته است؛ مسیری که در صورت استفاده درست می‌تواند کمکی جدی برای سینمای ایران بویژه در زمینه به تصویر کشیدن قصه‌هایی تازه در ژانرهای کمتر تجربه‌شده سینمای ایران باشد؛ هر چند در حال حاضر علاقه شدید فیلمسازان ایرانی به درآمدزایی از ژانر طنز باعث شده نگاه سینماگران ایرانی به این ظرفیت جدید بیشتر محدود به استفاده از فضای بازتر آن برای تولید کمدی‌های سطحی باشد.

تازه‌ترین خبرها از گوشه و کنار سینمای جهان

از پیش‌بینی انتخاباتی کلونی تا مادرخوانده چینی کن!

جرج کلونی یکی از بازیگران سرشناس سینمای آمریکاست که اتفاقا حضور فعالی نیز در عرصه‌های سیاسی دارد. کلونی که یکی از مخالفان جدی و سرسخت ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی آمریکاست، در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود ضمن تاکید بر اینکه ترامپ در انتخابات رأی نمی‌آورد، گفت: «آن برتری اندکی که او در رقابت ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ به دست آورده بود کاملاً از بین رفته است، بنابراین به نظرم می‌توان او را شکست داد». این بازیگر برنده جایزه اسکار البته به این نکته نیز اشاره کرد که هنوز آماده نیست از هیچ‌یک از کاندیداهای دموکرات برای ریاست‌جمهوری حمایت کند. او درباره این تصمیم گفت: «به نظرم بعد از مسن‌تر شدن، بخشی از درسی که آدم یاد می‌گیرد این است که احتمالاً بهتر است از حالا در رقابت حزبی از کسی حمایت نکرد. در این لحظه فعلاً باید صبر کنیم و ببینیم چه کسی نامزد باقی می‌ماند تا واقعاً بتوان از او در انتخابات عمومی حمایت کرد». اما این روزها با نزدیک شدن به زمان برگزاری جشنواره فیلم کن، اخبار مختلفی در ارتباط با این جشنواره در رسانه‌ها منتشر می‌شود، تازه‌ترین خبر اینکه «ژانگ زئی»، بازیگر چینی فیلم سینمایی «گودزیلا: پادشاه هیولاها» به عنوان «مادرخوانده» جشنواره فیلم کن امسال انتخاب شد تا جایزه شوپارد را به برندگانش اهدا کند. بر اساس آنچه «ورایتی» منتشر کرده، در نوزدهمین سال اهدای جایزه شوپارد در جشنواره فیلم کن ۲۰۱۹، ژانگ زئی این جایزه را به ۲ برنده جوان امسال اهدا می‌کند. جایزه شوپارد که از سوی برند شوپارد ایجاد شده هر سال ۲ جایزه ویژه به بازیگران در حال ظهور (زن و مرد) اهدا می‌کند. برندگان این جایزه را یک گروه کارشناس تعیین می‌کنند تا از ۲ بازیگر جوان در مسیر کاری‌شان حمایت شود. این جایزه از سال ۲۰۰۱ ایجاد شده و هر سال در جشنواره فیلم کن توسط یک اهداکننده که از وی به عنوان «مادر خوانده» یا «پدرخوانده» یاد می‌شود، اهدا می‌شود. سال پیش «دایان کروگر»، بازیگر آلمانی اهداکننده این جایزه به جو آلوین و الیزابت دیبیکی بود. شارلیز ترون، التون جان، رابرت دنیرو، شان‌پن، کیت بلانشت، جولین مور، جود لاو، گوینت پالترو، ژولیت بینوش و هلن میرن از جمله پدرخوانده‌ها و مادرخوانده‌های پیشین کن بوده‌اند.

نگاهی به تحولات سینمای ایران در ماه رمضان

خواب بهاری گیشه در فصل رونق تلویزیون

همانطور که پیش‌بینی می‌شد، ماه رمضان و کنداکتور پرتراکم تلویزیون، باعث کاهش اقبال مخاطبان از گیشه رمضانی شد تا فیلم کمدی «سامورایی در برلین» به عنوان پرفروش‌ترین فیلم گیشه در ۲ روز نخست تنها ۴۰ میلیون تومان بفروشد. همچنین فیلم «نبات» با ۱۱ میلیون و «به دنیا آمدن» و «خانه دیگری» هر کدام با ۳ میلیون تومان در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. «وکیل مدافع» نیز تنها توانست ۸۵۰ هزار تومان فروش داشته باشد. این درحالی است که تداوم اکران فیلم‌های نوروزی موجب شده فروش فیلم‌های نوبت جدید اکران ماه رمضان تحت تاثیر قرار بگیرد. علاوه بر این، فیلم‌های نوبت بعدی اکران در عید فطر بزودی سرخواهند رسید و به نظر می‌رسد فیلم‌های حاضر روی پرده یکی از پایین‌ترین فروش‌ها را در گیشه ۹۸ داشته باشند. از سوی دیگر شورای پروانه نمایش در جلسه اخیر خود مجوز نمایش ۳ فیلم «ایده اصلی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی آزیتا موگویی با موضوع اجتماعی، «زهر مار» به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی و کارگردانی جواد رضویان با موضوع کمدی اجتماعی و «روسی» را به تهیه‌کنندگی علی‌اکبر ثقفی و کارگردانی امیرحسین ثقفی با موضوع اجتماعی صادر کرده است. ۲ فیلم «ایده اصلی» و «زهرمار» پیش از این در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمدند و با اقبال بسیار پایینی مواجه شدند. بدین ترتیب آنچه که از ترکیب فیلم‌های حاضر در نوبت بعدی اکران‌ها مشاهده می‌شود، این است که قطعا میزان فروش سینماها به نسبت ابتدای سال کاهش خواهد یافت. فیلم‌هایی که بناست روی پرده بروند، عمدتا از کیفیت کافی برخوردار نبوده و این مساله در کنار افزایش قیمت بلیت سینما، قطعا بر میزان مخاطب سینما در بهار و تابستان ۹۸ اثر خواهد گذاشت.

تجسمی

رونمایی از دیوارنگاره رمضانی میدان ولیعصر(عج)

تازه‌ترین دیوارنگاره میدان ولیعصر(عج) با عنوان «دیگری را به خود مقدم دار» سحرگاه دیروز اکران شد. به گزارش «وطن‌امروز»، دیوارنگاره جدید میدان ولیعصر(عج) سحرگاه دیروز، چهارم رمضان در این میدان اکران شد. در توضیح این دیوارنگاره که «دیگری را به خود مقدم دار» نام دارد، آمده است: «ماه میهمانی خدا داره از راه می‌رسه و همه‌جا عطر و بوی معنویت می‌گیره. ماه مبارکی که سفره‌های افطار و سحرش هیچ‌وقت از خاطرمون نمی‌ره. اما این روزها ممکنه به دلایل اقتصادی، سفره برخی از هموطنانمون خالی باشه... پس در ماه بندگی، بخشنده‌تر از همیشه باشیم». عوامل اجرایی این دیوارنگاره عبارتند از: مدیر هنری، ایده‌پرداز و طراح شعار: پویا سرابی، طراحان گرافیک: محمد تقی‌پور و محمد شکیبا، مدیر آتلیه گرافیک: محمود آراسته‌نسب، طراح مفهوم: حسام پاشایی، ترکیب نوشتار: مجتبی حسن‌زاده، مدیر تولید: صابر فرخی.

کتاب

«گفتم اعتماد نکنید» منتشر می‌شود

گفتم اعتماد نکنید؛ بازخوانی مستند و جامع تدابیر، بیانات و نقدهای مقام معظم رهبری درباره مذاکرات هسته‌ای دولت اعتدال بزودی توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر می‌شود. به گزارش «وطن‌امروز»، این کتاب تنها گردآوری ساده بیانات مقام معظم رهبری نیست، بلکه کوشیده شده در آن منطق مواجهه رهبری با مسأله هسته‌ای را به تصویر کشد. علاوه بر این، بیانات معظم‌له بر اساس رویدادهای تاریخی در سیر پرونده هسته‌ای مستندسازی شده است. با گردآوری برخی مستندات، به نوعی شرح و تبیین بیانات انجام شده است. این بخش‌ها با عنوان «درنگ» از نظر خوانندگان خواهد گذشت که در واقع نوعی زمینه‌شناسی و بسترهای تاریخی- سیاسی ایراد بیانات مقام معظم رهبری به شمار می‌آیند. مستندسازی بیانات رهبری در طول مذاکرات هسته‌ای، به نوعی تاریخ‌نگاری پرونده مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم است. کتاب «گفتم اعتماد نکنید» در ۴۰۰ صفحه و به همت دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی تدوین شده است که بزودی از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر و روانه بازار می‌شود.

■■■

«فرار از شب» در بازار کتاب

رمان «فرار از شب» نوشته اکرم صادقی به‌تازگی توسط انتشارات کتاب جمکران منتشر و راهی بازار نشر شده است. به گزارش «وطن‌امروز»، این کتاب اولین رمان اکرم صادقی است که به‌عنوان فیلمنامه‌نویس شناخته می‌شود. داستان «فرار از شب» درباره دورانی است که اعراب جاهلی پیش از ظهور اسلام نوزادان دختر خود را زنده‌به‌گور می‌کردند. جدا از قرآن که بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اسلام است، شاید بشود گفت مهم‌ترین اعجاز پیامبر(ص) به راه آوردن مردم سرزمین بادیه و شتر بود؛ مردانی که سخت‌تر از سنگ و خشک‌تر از بیابان بودند؛ رام‌شدنی نبودند مگر به زبان نرم و کلام شیرین. سرگرمی این مردم، جنگ، شعر و زن بود. زبان نرم و اخلاق حسنه پیامبر(ص) این مردم خشن را به راه آورد و از بندگی بت‌ها به بندگی خدا رساند. داستان رمان «فرار از شب» درباره زندگی زن و مرد عربی است که در عربستان آن‌زمان زندگی می‌کنند؛ یکی از شهر و دیگری از بیابان آمده اما عشق باعث پیوندشان با یکدیگر شده است. بخشی از روزهای عاشقانه این دو، مصادف با حضور محمد(ص) در شهر مکه است. زن در انتظار میلاد نوزادش است. شغل مرد نیز که در صحرا بزرگ شده، پیدا کردن نشانه و اصطلاحاً رد زدن است. او باید برای مأموریتی رد رسول خدا را بزند و با او مواجه می‌شود. داستان این کتاب در ۸ فصل و با رویکرد سفرنامه‌ای و ماجراهای تعقیب و گریز نوشته شده است.